

تجربه فراغت مجازی: فضای شفافبخش و فردگرایی بیانی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه کردستان در فیس بوک)

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۷، شماره یک: ۱۹۷-۱۷۱

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

کمال خالق‌پناه^۱

عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشکده علوم انسانی دانشگاه گیلان

جعفر عسگری

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

پذیرش ۹۹/۰۵/۲۴

دریافت ۹۸/۰۴/۱۲

چکیده

هدف این مقاله کاوش در جایگاه تجربه افراد در رابطه با خویشتن و شکل تجربه زیسته افراد در مناسبات اجتماعی به میانجی فضای مجازی است. فراغت مجازی چگونه بازنمایی می‌شود؟ فراغت مجازی چگونه تصور از خویشتن، انگاره‌ها و خودهویتی (تشخص) دانشجویان را بیان می‌کند؟ و اینکه فراغت مجازی چگونه دوگانه مقاومت و کنترل را تولید و بازتولید می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها در سطح روش‌شناختی مردم‌نگاری مجازی و تکنیک‌های مصاحبه عمیق مجازی و مشاهده مشارکتی را در میان دانشجویان دانشگاه کردستان عضو فیس‌بوک به صورت هدفمند به کار گرفته‌ایم. ایده نظری این مقاله اینست که فضای مجازی به واسطه اشکال مختلف شبکه‌های اجتماعی باعث ظهور اشکال مختلف زیستن‌ها و تجربه‌های شبکه‌ای شده است که شکل خاصی از فردگرایی با عنوان فردگرایی بیانی را بر ساخت می‌کند. فرد زندگی شبکه‌ای مجازی را برای زیستن دارد که به مثابه چالش/جایگزین برای فضای واقعی عمل می‌کند، در این رابطه است که فردگرایی به شکل بیانی آن نمود می‌یابد. در سطح معرفت‌شناختی در چارچوب نظریه کریس روژک بازنمایی، هویت و مقاومت فراغت مجازی در میان دانشجویان کاربر را بررسی کرده‌ایم. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، فراغت مجازی در فیس‌بوک فضایی شفافبخش را در تقابل با زندگی عینی برای صورتبندی شکلی از فردگرایی با عنوان فردگرایی بیانی اما سرشار از دوگانگی‌های عاطفی شکل می‌دهد. در این راستا فراغت مجازی شکل‌گیری هویتی خودآیین اما مجازی و سیال را ممکن ساخته که به طبع همجوار و در عین حال در تقابل با وضعیت عینی قرار دارد. در بعد مقاومت، فراغت مجازی با توجه به ساخت محدود جامعه فضایی را برای مقاومت پنهان و جزئی به وجود آورده است که به مثابه نوعی حوزه عمومی متکثر عمل می‌کند. در بحث کارکردکنترلی، سه‌گانه ۱. کنترل بین‌الذهانیت ۲. اصول و ارزش‌های شخصی ۳. و حس توطئه، عامل کنترل رفتار کاربران در فیس‌بوک است.

کلید واژه‌ها: فراغت مجازی، بازنمایی، هویت، کنترل، مقاومت.

^۱ پست الکترونیکی نویسنده رابط: kkhaleghpanah@yahoo.com

مقدمه و طرح مسئله

ظهور اینترنت به‌عنوان رسانه‌ای قدرتمند، در سال‌های اخیر دوباره باب گفت‌وگوی‌های جدید را در خصوص نقش رسانه گشوده است. دامنه کارکرد اینترنت، به قدری وسیع است که از سرگرمی گرفته تا پزشکی و فلسفه و خدمات شهری را شامل می‌شود (اخترمحقی، ۱۳۸۵: ۶). اگرچه در مراحل اولیه شکل‌گیری، اینترنت احتمالاً در اختیار فعالیت‌های نظامی و کاربردهای آموزشی بوده است، تحولاتی مانند ظهور شبکه جهانی وب، نشان‌دهنده حرکتی آشکار به سوی استفاده‌های غیرمتمرکزتر و غیرسلسله‌مراتبی‌تر بوده است، که استفاده‌های فراغتی از آن جمله‌اند (هریس^۱، ۱۳۹۲: ۳۴).

واقعیت اجتماعی اوقات فراغت و نحوه گذران آن، تاریخچه‌ای طولانی دارد، که کارکردهای خاصی را برای همه بخش‌های جامعه و به‌ویژه جوانان به‌همراه داشته است. حوزه فراغت اصلی‌ترین حوزه تحلیل‌های سبک زندگی است. در این حوزه است که افراد، نماگرها، کلیشه‌ها، الگوها و قواعد خاص سبک زندگی و هویت اجتماعی خود را بازگو می‌کنند (ربانی و شیری، ۱۳۸۸). از جمله عوامل مؤثر در گذراندن اوقات فراغت، «امکانات» می‌باشد که در عصر حاضر، به‌کارگیری روزافزون وسایل و اسباب الکترونیکی، از جمله کامپیوتر، اینترنت و امثال آن می‌باشد که در گذراندن اوقات فراغت سهم بسزایی را ایفا می‌کند. بر اثر این تغییر و تحولات انقلابات رخ داده در تکنولوژی، و بر اساس آمار و ارقام و یافته‌های ارائه‌شده از تحقیقات پیشین، مشخص است که روند استفاده از اینترنت و رسانه‌های اجتماعی که شباهت فزاینده‌ای به زندگی اجتماعی واقعی بشر داشته و در آن روابط و تعاملات اجتماعی تا حد زیادی شبیه‌سازی شده است، در سال‌های اخیر رو به افزایش است. شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان مهم‌ترین مصداق این امر، به محلی برای حضور اقشار مختلف جامعه به‌ویژه جوانان و مکان تبادل آرا و افکار ایشان و تأمین نیازهای متناسب با زندگی اجتماعی جوانان تبدیل شده‌اند (بشیر و افراسیابی، ۱۳۹۱). شبکه‌های اجتماعی گوناگونی در اینترنت وجود دارند تا به این نیاز اصلی انسان «یعنی برقراری ارتباط» و گسترش تجربه پاسخ بدهند. یکی از طرفدارترین شبکه‌های

اجتماعی، فیس‌بوک است که زمینه را برای جوانان مهیا کرده تا میلیون‌ها جوان، هم‌زمان در این صفحه اینترنتی پیام بگذارند و برنامه‌های شخصی ترتیب دهند، علاقه‌مندی‌ها، افکار و فعالیت‌های خود را با دیگران به اشتراک بگذارند. فیس‌بوک از این طریق توانسته است مقدار زیادی از اوقات فراغت جوانان را پر کند. باید گفت که شبکه‌های اجتماعی همچون «فیس‌بوک»، به‌عنوان یکی از پرطرفدارترین امکانات اینترنتی، شرایط جدیدی را پیرامون کاربران خود قرار داده و مرزهای تازه‌ای در شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و هویت جوانان پدید آورده است و آنها را با تجربه‌ای نو اما ناشناخته روبه‌رو ساخته است. «شبکه‌های اجتماعی چارچوب تعاملی جدیدی را در برقراری ارتباطات بین‌فردی مهیا ساخته است، که به‌رغم محدودیت‌های ذاتی خود، فرصت‌های جدیدی را نیز برای نمایش شخصیت در اختیار کاربران قرار می‌دهد» (ذکایی، ۱۳۸۶: ۲۸۶). باید گفت کاربران اینترنت در فضای مجازی زندگی می‌کنند. فضای مجازی دنیای وسیع و پیچیده‌ای است که گروه‌ها و افراد مختلف با گرایش‌ها، باورها و اعتقادات گوناگون در آن زندگی می‌کنند. کلمه «زندگی» در این فضا به اشتباه به‌کار نرفته است، چرا که این دنیا توأمان و همگام با دنیای واقعی و شاید بیشتر بر وجود آدمی و باورهایش اثر می‌گذارد. فضای مجازی به معنای فضای تعاملی بوده است که توسط شبکه جهانی اینترنت و از طریق رایانه‌ها شکل گرفته است (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۸۲). می‌شود گفت «کره جدیدی» به جهان ما اضافه شده است که از آن می‌توان به‌عنوان «کره زمین مجازی» تعبیر نمود (اکبری تبار و هزار جریبی، ۱۳۹۲). زندگی در این دنیای مجازی باعث به‌وجود آمدن شکل جدیدی از فراغت با عنوان «فراغت مجازی» شده است. منظور از فراغت مجازی در اینجا، هرگونه فعالیتی فراغتی است، که با استفاده از دسترسی به شبکه یا وب انجام می‌شود (هریس، ۱۳۹۲: ۳۴۳).

بنابراین، مقاله حاضر در پی کاوش در روایت زیسته فراغت مجازی است. اینکه جوانان و در اینجا دانشجویان دانشگاه کردستان با ورود به دنیای فراغت مجازی، چگونه آن را تجربه می‌کنند و نگاه و بازنمایی آنها از این نوع فراغت چگونه است؟ آیا این تجربه نو می‌تواند بر هویت فردی آنها تأثیرگذار باشد؟ اگر تأثیرگذار است، در جهت تقویت هویت فعلی آنهاست یا در تقابل با آن؟ همچنین می‌خواهد به بررسی این مقوله بپردازد که اگر فضای مجازی را زندگی

دومی متصور شویم، آیا ابزارهای کنترلی در این دنیای مجازی وجود دارد؟ اگر وجود دارد، چگونه اعمال می‌شود؟ و در پایان می‌خواهد به بررسی آزادی‌های فراغت مجازی بپردازد؛ آیا فراغت مجازی می‌تواند مقاومتی در برابر زندگی و دنیای واقعی افراد باشد؟ این نوع از مقاومت چگونه است؟ مجموعه این پرسش‌ها کلیتی را می‌سازند که به واسطه آن در پی کاوش در رابطه دنیای مجازی و واقعی به میانجی فراغت مجازی خواهیم بود. مفروضه نظری این نظریه این است که فضای مجازی را بایستی در رابطه با فضای واقعی درک کرد؛ بنابراین فضای مجازی فضایی قائم به ذات و مستقل از دنیای واقعی نیست، فضای مجازی در شکاف‌های دنیای واقعی ظهور می‌کند و بر این اساس فراغت مجازی فقدان‌های فضای فراغتی را پر می‌کند، فقدان‌هایی که در اینجا درباره دانشجویان دانشگاه کردستان بررسی می‌شود.

پیشینه پژوهش در زمینه تجربه فراغت مجازی

پژوهش‌های مرتبط با فضای مجازی بسیار و پژوهش‌های مرتبط با فراغت مجازی محدود بوده‌اند؛ ما در اینجا به موارد ذیل مرتبط با موضوع خود می‌پردازیم. ذکایی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «جوانان و فراغت مجازی» که پیمایشی بر روی نمونه‌ای در دسترس، مراجعه‌کنندگان به کافی‌نت‌های شهر تهران بود، نشان داد که کارکرد غالب چت برای کاربران ایرانی، جنبه‌های فراغتی و سرگرم‌کننده آن است که در اشکال مثبت و منفی تسهیل‌کننده و جبران‌کننده نیازهای ارتباطی آنها در عرصه واقعی می‌باشد. از سوی دیگر روابط در این فضای مجازی امتداد روابط واقعی است که دو جنس تجربه می‌کنند، اگرچه مرزبندی‌های جنسیتی در روابط مجازی ضعیف‌تر می‌گردد. در وجه منفی، سرگرمی‌های مجازی، علاقه جوانان به مشارکت اجتماعی و فعالیت‌های مدنی را با انگیزه‌های مختلف تحت شعاع قرار می‌دهد و ممکن است بر مهارت‌های اجتماعی آنان در تدارک فراغت‌های گروهی و تفریحات و بازی‌های غیرمجازی تأثیر منفی بگذارد. همچنین مجاورت طولانی با فضای مجازی می‌تواند به فرهنگ‌پذیری یک‌طرفه و تأثیرپذیری افراطی از هنجارها و ارزش‌ها در عرصه‌های مختلف ارتباطی و اجتماعی انجامیده و با تقویت جهان‌وطنی تعلقات ملی و سنتی کاربران را تحت تأثیر قرار دهد.

شهابی و قدسی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «اهداف و انگیزه‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی؛ مطالعه‌ای درباره‌ی جوانان شهر تهران» مبتنی بر چارچوب نظری استفاده و رضایت‌مندی و با انجام مصاحبه‌های عمقی بدون ساختار، انگیزه‌ها و اهداف عضویت جوانان در این شبکه‌ها را با وجود ممنوعیت قانونی دسترسی به برخی از آنها شناسایی نموده‌اند. آنها نشان دادند که اکثر کاربران به منظور تسهیل روابط فعلی، احیای روابط قدیمی، ایجاد و حفظ ارتباطات دوستانه بدان روی آورده‌اند و فضای شبکه‌های اجتماعی مجازی را سیاسی نمی‌دانند. عدلی‌پور و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی دیگر به صورت پیمایشی و روش نمونه‌گیری داوطلبانه با تأکید بر نظریه کاشت و ساخت‌یابی گیدنز، تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که هرچه مدت استفاده از فیس‌بوک بیشتر می‌شود، هویت فرهنگی آنها ضعیف‌تر می‌شود. خسروی و همکاران (۱۳۹۰) نیز وبگردی در زندگی روزمره ایرانی را با استفاده از روش پدیدارشناسی مورد مطالعه قرار دادند و نتایج نشان دادند جستجوی اطلاعات، یافتن منابع علمی، نیازهای کاری و... در کنار جذابیت‌های تکنولوژی اینترنت و مصارف فراغتی از شبکه‌های اجتماعی دلیل اولیه ورود به عرصه مجازی است. همچنین محدودیت‌های بیرونی باعث بازتولید حضور در اینترنت می‌شود. افقی بودن روابط قدرت در جامعه مجازی و تبلور جامعه مدنی در محیط‌های آنلاین (به دور از دوگانه دولت-ملت) و توانایی ابراز بیان و کم‌رنج بودن سلسله مراتب قدرت برای حرف‌زدن در این محیط‌ها نسبت به محیط بیرونی از عواملی است که تجربه حضور این افراد را استمرار داده است.

چن و مارکوس (۲۰۱۲) در مقاله‌ای تحت عنوان «خوداظهاری دانشجویان در فیس‌بوک، سنجش متغیرهای شخصیتی و خودکنترلی» به نقش شخصیت و فرهنگ در ارائه اظهار اطلاعات در شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته‌اند. نتایج حاصله نشان داده است که اظهار اطلاعات توسط افراد در فضای مجازی و در حالت حضوری متفاوت است. نتایج همچنین بیانگر این بود که دانشجویان از فیس‌بوک برای حفظ روابط شخصی فعلی‌شان استفاده می‌کنند و از امکانات و تنظیمات آن برای کنترل خوداظهاری و اطلاعات منتشر شده‌شان در شبکه مجازی به‌دقت و با

انتخاب خود استفاده می‌کنند. در پژوهش دیگری که توسط الیسون و همکاران (۲۰۰۸) انجام شده است، «مزایای فیس‌بوک و رابطه سرمایه اجتماعی و عضویت در شبکه‌های اجتماعی» به صورت پیمایشی در بین دانشجویان بررسی شده است. آنها نشان دادند که مشارکت در شبکه‌های اجتماعی مجازی به تقویت سرمایه اجتماعی فرد کمک می‌کند و از این طریق می‌تواند مزایای بیشتری برای کاربرانی داشته باشد که دارای اعتماد به نفس پایین هستند و میزان رضایت از زندگی در آنها پایین می‌باشد.

در جمع‌بندی پیشینه تحقیق می‌توان گفت هرچند در زمینه اینترنت و اثرات آن مقالات زیادی نوشته شده است اما به طور خاص درباره شبکه‌های اجتماعی مجازی و در رابطه با فراغت مجازی مقالات انگشت شماری وجود دارد و همین اندک مقالات نیز با روش‌های غالباً کمی به تأثیرات این شبکه‌ها پرداخته‌اند و اغلب مخاطبان و کاربران را کنشگران منفعلی پنداشته‌اند که تأثیرات منفی این شبکه‌ها را دریافت می‌کنند. لذا پژوهشی که بخواهد تجربه کاربران را در شبکه‌های اجتماعی و از روش متناسب با این روش (مردم‌نگاری مجازی) استفاده کند وجود ندارد. چراکه بحث کردن در مورد شبکه‌های اجتماعی که از لحاظ قانونی فیلتر هستند از طریق پیمایشی، نوعی جبهه‌گیری و محافظه‌کاری را در مصاحبه‌شوندگان به وجود می‌آورد و باعث می‌شود به دلیل بی‌اعتمادی نتایج پژوهش خدشه‌دار شود؛ زیرا در ایران معمولاً نوعی فضای بی‌اعتمادی میان اکثریت مردم و مأموران دولتی یا محققان وجود دارد و همین امر سبب می‌شود افراد به پرسشگرانی که با دفتر و دستک به سراغشان می‌آیند اطلاعات صحیح ندهند، به خصوص اگر این موضوع یک چیز ممنوع باشد (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۲). هر چند مقاله خسروی و همکاران با روش مصاحبه عمیق انجام شده است، اما ایشان نیز اینترنت را عرصه‌ای منسجم و یکدست می‌بینند. این نکته را باید مورد توجه قرار داد که اینترنت حوزه بسیار گسترده‌ای است و مطالعه در این زمینه باید به صورت تخصصی و جزئی صورت بگیرد، چراکه عرصه شبکه‌های اجتماعی، عرصه‌ای جدا از سایر بخش‌های اینترنت محسوب می‌شود. چنانچه خود شبکه‌های اجتماعی نیز عرصه‌های متفاوتی دارند (خصوصی-عمومی) که باید در پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت می‌پذیرد، مدنظر قرار گیرد.

ادبیات نظری

کریس روژک^۱ مواضع غیر روان‌شناسانه در باب فراغت را شامل چهار رویکرد می‌داند: ۱. رویکرد نظام‌ها؛ ۲. رویکرد کنش متقابل؛ ۳. رویکرد مارکسیسم؛ ۴. رویکرد فمینیستی. هر یک از این رویکردها، فراغت را به شکل متفاوت و گاهاً متضاد با رویکردهای موجود مورد بررسی قرار داده‌اند. چنانچه بعضی از این رویکردها در تقابل و ضدیت با هم یا به عرصه ظهور گذاشته‌اند. رویکرد نظام‌های اجتماعی: رویکرد نظام‌های اجتماعی به فراغت که از لحاظ نظری از جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز گرفته شده است، دفاع می‌کنند. آنها فراغت را هم‌چون یک نهاد اجتماعی تعریف می‌کنند که کارکردهای ویژه‌ای دارد و به ثبات و رشد ارگانیک اجتماعی کمک می‌کند. این رویکرد، فراغت را هم‌چون یک نهاد اجتماعی تعریف می‌کند که کارکردهای ویژه‌ای دارد و به ثبات و رشد ارگانیک اجتماعی کمک می‌کند. فعالیت‌های فراغت در مقام تجلی همبستگی و هنجارهای اجتماعی، در خدمت تأیید دوباره سازمان اجتماعی بزرگ‌تر قرار دارند. رویکرد کنش متقابل: این رویکرد تا اندازه‌ای در قالب کوششی برای غلبه بر رویکرد نظام‌های اجتماعی آغاز شد. این رویکرد، فراغت را تابع تفسیر ذهنی افراد و معنایی که فراغت برای آنها دارد، می‌داند. «فرد از طریق کنش‌های داوطلبانه فراغت، به آرمان‌های هویتی شکل می‌بخشد که تأثیر ساختار را رمززدایی می‌کنند» (کلی، ۱۹۸۷: ۲۲۹ به نقل از روجک، ۱۳۸۸: ۹۳).

رویکرد مارکسیسم: بر خصلت سیاسی و تاریخی شاخه‌شده صورت‌ها و تجربه فراغت تأکید دارد. با قراردادن مبارزه طبقاتی در کانون رفتار فراغت، همزمان اندیشه نظام‌ها و کنش متقابل را به‌چالش می‌کشد. این رویکرد اعتقاد دارد که کلیدهای درک صورت‌ها و تجربه فراغت، نابرابری، قدرت و ایدئولوژی هستند. رویکرد مارکسیستی کار خود را به تبعیت از این اصول مارکسیستی آغاز می‌کند که مناسبت‌های مالکیت در تخصیص منابع فراغت اهمیت زیادی دارد (روجک، ۲۰۰۰). قدرت اقتصادی به مثابه منشأ غایی سیطره فرهنگی و سیاسی تبیین می‌شود. از دیدگاه مارکسیست‌ها، مبارزه برای تغییر تجربه فراغت مبارزه‌ای برای کنترل اقتصاد و دولت است. در این

۱ در ایران روجک هم ترجمه شده است.

رویکرد، اوقات فراغت و فعالیت‌های مربوط به آن بخشی از فرایند بازتولید ساختار سلطه تلقی می‌شود. در این معنا، فعالیت‌های فراغتی عامل تثبیت‌کننده نظم اجتماعی موجود است.

رویکردهای فمینیستی: رویکردهای فمینیستی در زمینه تأثیر جنسیت^۱ بر فراغت از رویکردهای طبقاتی پیروی می‌کنند و مالکیت و دسترسی به دارایی را محور کار خود قرار می‌دهند (گرین و همکاران، ۱۹۹۰؛ شاو، ۱۹۹۴؛ هندرسون و همکاران، ۱۹۹۶؛ ویرینگ، ۱۹۹۸ به نقل از روجک، ۱۳۸۸: ۲۶). ساختمان جنسیت^۲ با نوعی تقسیم‌بندی جنسی و اجتماعی کار مرتبط است که در آن زنان در موقعیت کارگران خانگی و مدیران عاطفی برتر قرار گرفته‌اند. به‌همین ترتیب، به گونه‌ای عمل می‌کند که منابع سرمایه‌ای اقتصادی و فرهنگی را به تحکیم رژیم قدرت مذکر تخصیص می‌دهد. این رویکرد معتقد است که ساختمان جنسیتی، در چارچوب نوعی نظام محدودیت‌های درونی و بیرونی کار می‌کند. بستری که جسمیت در آن ساخته و بازتولید می‌شود پدر سالاری است؛ از طریق پدرسالاری است که حقوق زنان در عرصه فراغت مسدود و سرکوب می‌شود.

چهارچوب مفهومی

ما در این پژوهش از نظریه فراغت کریس روجک استفاده می‌کنیم. برهان محوری روجک، تحلیل صورت‌ها و تجربه فراغت در بستر جهانی‌شدن، خطرپذیری و شهروندی فعال است. البته از تداعی‌های سنتی لذت‌جویی و آرامش همراه با فراغت نیز پشتیبانی خواهد کرد (روجک، ۱۳۸۸: ۲۶). رویکرد روجک نوعی رویکرد کنش^۳ است. تجربه فراغت، کنشی است مبتنی بر ارتباط بین انتخاب شخصی، مکان و بستر. این امر در چارچوب ایدئولوژی و اقتصاد و فرهنگ اتفاق می‌افتد. براین اساس، انتخاب فراغت مجازی توسط دانشجویان، تحت تأثیر روابط انگیزش و مکان و بستر صورت می‌گیرد. روجک معتقد است که رویکرد کنش، در پی یکپارچه کردن مؤلفه‌های انگیزش^۴، مکان^۵ و بستر^۶ است. از نظر او کنشگران فراغت کسانی هستند که در تجربه‌های فراغت،

1 Gender
2 Sexual
3 Action
4 Motivation
5 Location
6 Cotext

انگیزه‌های انتخابی خود را دنبال می‌کنند. رویکرد کنش همچنین با چشم‌انداز ذات‌گرایانه، که فراغت را بازتابی از آزادی انتخاب فردی می‌داند، نسبتی ندارد؛ چراکه توانایی و دانش همواره جزو پیش‌شرط‌های کنش به شمار می‌آیند (روجک، ۱۳۸۸: ۲۷). رویکرد کنش ذاتاً انتقادی است، زیرا روشن می‌کند که قدرت چگونه انگیزش، مکان و بستر را مشروط می‌کند و جسم‌بودن و مکان‌بودن چگونه قالب‌ریزی می‌شوند. به بیان سیاسی، این رویکرد در پی آن است که از رهگذر دفاع از توان‌مندسازی، عدالت توزیعی و جذب اجتماعی به‌مثابه اهداف نظریه، مفهوم شهروندی فعال را توسعه دهد و بیالاید. این رویکرد با پشتیبانی از نقش فراغت در ارتقای سرمایه اجتماعی در زندگی روزمره، از طریق تحکیم شبکه‌های اجتماعی و ترویج نوعی سبک زندگی متوازن، این قبیل ابتکارات را گسترش می‌دهد. اما این مطلب را می‌پذیرد که اجتماع و سبک زندگی همواره در دل ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نابرابر جای دارند که در آن ایدئولوژی سعی می‌کند نحوه عملکرد قدرت را در پیشبرد منافع مستقر بیوشاند (همان، ۲۸).

از نظر کریس روجک، تجربه فراغت شامل مجموعه‌ای از کارکردها است که چهار کارکرد اصلی آنها عبارتند از: بازنمایی، هویت، کنترل و مقاومت (همان، ۱۲۱). تجربه فراغت از طریق بازنمایی به رفتارها آرایش مضمونی می‌دهد و شاخص‌های کنش و تعلق را پدید می‌آورد. تجربه فراغت از طریق شکل‌دادن هویت، حدود دربرگیرندگی و حذف را مشخص می‌کند، که پشتیبان شناخت و روابط تعلق است. تجربه فراغت از طریق کنترل، گزینه‌های سبک زندگی و کردار را تنظیم می‌کند و سرانجام تجربه فراغت از طریق مقاومت به بسیج منابع، علیه کارگزاران کنترل و نظام‌های قدرت آنها می‌پردازد. در بیشتر موارد متحمل است که تجربه فراغت، آمیزه‌ای از این کارکردها است. در ضمن انجام این کارکردها مرتبط با کارکردهای فراغتی سایر کنشگران است و با توازن بین کمیابی و مازاد و سازوکارهای تنظیمی آن نسبت دارد. این کارکردها در شرایط توازن بین کمیابی و مازاد در جامعه عمل می‌کنند.

کمیابی

هویت فراغت

مقاومت کنترل

مازاد

براین اساس کارکرد «بازنمایی» به‌دنبال این سؤال است که چه چیزی، توسط چه‌کسی بازنمایی یافته است؟ به چه چیزی میل دارند؟ چه انتظاری از فراغت دارند؟ چگونه و بر چه اساسی فراغت خود را تعریف می‌کنند؟ کارکرد «هویت» به نام‌گذاری تجربه مربوط می‌شود؛ در اینجا به این سؤال پاسخ می‌دهیم که فراغت چه چیزی را برای ما فراهم می‌آورد و چه لذت‌هایی را به ما عرضه می‌کند؟ و چه منزلتی به‌دست می‌آوریم؟ و از این طریق نوع شخصیت و هم‌نشینان ما را به دیگران نشان می‌دهد (همان، ۱۳۵). کارکرد «کنترل» به‌دنبال این است که در ارتباط با شکل جامعه، فراغت چه شکلی به خود می‌گیرد؟ محدودسازی فراغت اغلب با باورهای مذهبی پیوند دارد. در جوامعی که حول روایت‌های اندام‌وارگی رومانیتیک شکل گرفته‌اند، فراغت اهرم مهمی برای کنترل اجتماعی است. به بیان علمی، این‌گونه جوامع، فناوری و فرهنگ سیاسی استفاده از رسانه‌های گروهی را برای آموزش رفتارهای فراغت و سازگاری ارزش‌های فردی و اجتماعی اختراع کرد. در جوامعی که انتخاب فرد، تابع حکم مذهبی یا سیاسی متمرکز و قوی است، مدل «عادت‌مصرف» نمایان است. در جوامع تک‌حزبی یا جوامعی که مذهب هنجارگذار مانند بنیادگرایی اسلامی دست بالا را دارد، الگوهای رفتار مصرف و فراغت حالت همگنی دارد. در دموکراسی‌های سرمایه‌داری غرب رفتار مصرف و فراغت ناهمگنی بیشتری دارند (همان، ۱۴۱). در بحث کارکرد «مقاومت» به‌دنبال این هستیم که چگونه در برابر استعمار فراغت، توسط مصرف و سرگرمی و همگنی مقاومت می‌کنیم؟ به‌کارگیری فراغت برای قانون‌شکنی و اعمال سرکوب قدمتی طولانی دارد. درحقیقت تمسخر چهره‌های سیاسی و به استهزا گرفتن قانون‌های نامحبوب، بخشی از فرایند مردم‌سالاری است (همان، ۱۵۰).

روش‌شناسی: مردم‌نگاری مجازی

پژوهش حاضر به روش کیفی و مردم‌نگاری مجازی صورت گرفته است، چراکه تغییرات سریع اجتماعی و در نتیجه آن، تنوع زیست‌جهان‌ها به شکل روزافزونی، محققان اجتماعی را با زمینه‌های اجتماعی و دیدگاه‌های جدیدی مواجه می‌کنند. مردم‌نگاری مجازی اشاره به روش‌شناسی‌های تحقیقاتی است که در محیط آنلاین «اینترنت» انجام می‌گیرد. مردم‌نگاران

علاقه‌مند به مطالعه فرهنگ، اغلب در کار میدانی شرکت می‌کنند و خود را غرق در فرهنگ‌های مورد مطالعه می‌کنند. از نظر کوزینتس^۱ مردم‌نگاری مجازی عبارت است از: «مردم‌نگاری انجام‌شده در اینترنت»: روش کیفی که بر مبنای پارادایم تفسیری است، که مردم‌شناس مجازی از طریق آن به مطالعه جوامع و فرهنگ‌های آنلاین، از طریق کامپیوتر و به واسطه ارتباطات می‌پردازد (کوزینتس، ۲۰۰۶: ۱۳۵). به عبارت ساده، مردم‌نگاری مجازی، فرآیند انجام و ساخت یک مردم‌نگاری با استفاده از محیط آنلاین و مجازی به عنوان مکان و محیط تحقیق است. غوطه‌ور شدن در یک مورد خاص، ارجاع به یک محل خاص و مشاهده مشارکتی (یعنی در چت‌روم‌ها) هنوز هم اساس تحقیق مردم‌نگاری هستند؛ حتی در زمان استفاده از اینترنت به عنوان محیط تحقیق. با این حال، مفهوم میدان خود به طور اساسی تغییر کرده است. اینترنت مفهوم میدان تحقیق را دگرگون و پژوهش را متحرک می‌سازد، به جای آنکه آن را مکان‌مند کند (هاین، ۲۰۰۰: ۶۴).

در این پژوهش، میدان تحقیق دانشجویان دانشگاه کردستان عضو شبکه اجتماعی فیس‌بوک می‌باشد. نمونه‌گیری این پژوهش بر پایه نمونه‌گیری نظری یا هدفمند صورت گرفته است. بنابراین با مشاهده مشارکتی افرادی را که اطلاعات ارزشمندی از تجربه حضور در فیس‌بوک داشتن را انتخاب می‌کنیم. بنابراین نمونه‌گیری هدفمند بدان دلیل در این مطالعه به کار می‌رود که اجازه می‌دهد آن دسته از شرکت‌کنندگانی انتخاب شوند که پدیده فراغت مجازی را تجربه کرده باشند. به علاوه، نمونه‌گیری هدفمند بدان دلیل انتخاب می‌گردد که این مطالعه نیاز به تعداد مشخصی از افراد برای انجام مصاحبه داشته که می‌توانند اطلاعات ارزشمندی را ارائه نمایند. همچنین برای انتخاب سایر نمونه‌ها از نمونه‌گیری «گلوله‌برفی^۲» استفاده می‌شود، که طی آن، با یافتن یک آزمودنی، او آزمودنی‌های دیگر را به ما معرفی می‌کند (ببی، جلد اول، ۱۳۸۱: ۴۰۶) همچنین در این روش، حجم نمونه، به اشباع نظری^۳ سوالات مورد بررسی بستگی دارد (محمد پور و رضایی، ۱۳۷۸: ۱۸-۱۹). بنابراین پژوهش حاضر بر روی ۱۹ نمونه صورت گرفته است.

1 Robert Kozintez

2 snowball sampling

3 Theoretical saturation

بنابراین در پژوهش حاضر با توجه به روش‌شناسی مردم‌نگاری مجازی، از تکنیک مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌ی عمیق مجازی (مصاحبه‌آنلاین) با دروازه‌بانان خبری و کاربران استفاده شده است. مشاهده مشارکتی، محور تحقیق مردم‌نگاری در سراسر تاریخ‌اش به‌عنوان یک استراتژی بوده است. برای بسیاری از مردم‌نگاران، مشاهده مشارکتی، شیوه آغاز انجام تحقیق است. این مراحل اولیه، احتمالاً شامل تأکید بیشتری روی مشاهده است. در حالی که بعد مشارکت را در طول دوره‌ی تحقیق توسعه می‌دهید، به همان صورت هم، دانش و معرفتی را به‌دست می‌آورید و روابط کاری را با اطلاع‌رسان‌های تان شکل می‌دهید (مارچسبون، ۱۳۹۲: ۷۵). مشاهده مشارکتی به ما کمک می‌کند ساختار تحقیق را خوب شکل داده و آغاز مناسبی را ایجاد کنیم و با اطلاع‌رسان‌های بالقوه روابطی را ایجاد کنیم. بنابراین مشاهده می‌تواند در انتخاب نمونه‌های هدفمند و مشاهده صفحات پروفایل افراد به‌عنوان یک ابزار گردآوری بسیاری مفید باشد و مکمل خوبی برای آغاز و انجام مصاحبه باشد. برای تحلیل داده‌ها در چارچوب سطوح فضای مفهومی تحلیل مضمونی به مثابه استراتژی تحلیل داده‌ها به‌کارگرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

گذران اوقات فراغت در عصر حاضر به دلیل توسعه فراوان در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بسیار متنوع شده است. هریک از افراد جامعه با توجه به گرایش‌ها و سلیقه خود سعی بر آن دارند که اوقات فراغت را به گونه‌ای سپری کنند که به بهترین وجه پاسخگوی نیازهای آنها در این زمینه باشد. بی‌گمان عوامل گوناگونی بر نحوه گذران اوقات فراغت تأثیر می‌گذارند. همواره این پرسش مطرح می‌شود که آیا افراد فعالیت‌های اوقات فراغت خود را آزادانه و آگاهانه انتخاب می‌کنند یا اینکه فعالیت‌های آنان با توجه به محدودیت‌ها و فرصت‌هایی است که در اختیار آنان قرار داده می‌شود و افراد، خود در انتخاب آنها دخالتی ندارند؟ سن، جنس، سطح معلومات، موقعیت اجتماعی و شغلی، وضعیت خانوادگی، امکانات و تربیت خانوادگی، از جمله عواملی‌اند که به روش‌های مختلف بر فرصت‌های افراد در فعالیت‌های اوقات فراغت تأثیر می‌گذارند. در کشور ما نیز مانند دیگر کشورهای جهان، مردم اوقات فراغت خود را به شکل‌های گوناگون سپری می‌کنند. بیشتر مردم به صورت شخصی و عده‌ای نیز

به صورت سازمان یافته در فعالیت های اوقات فراغت شرکت دارند. در زمینه اوقات فراغت در ایران، تعدادی از سازمانها و ارگانها، مانند شهرداریها، سازمان ملی جوانان، بسیج، هلال احمر، جهاد دانشگاهی، امور مساجد و ... فعالیت هایی چون، فرهنگی، هنری، دینی و قرآنی، علمی و تخصصی، مهارت آموزی، اردویی، گردشگری و ورزشی دارند. اما نکته مهم این است که فعالیت هایی که این گونه سازمانها و ارگانها ارائه می کنند، به هیچ وجه کافی به نظر نمی رسد و تنها پاسخگوی تعداد کمی از افراد جامعه است. در تحقیقات معدودی که در زمینه نحوه گذران اوقات فراغت در ایران انجام شده این گونه نتیجه گرفته شده که بسیاری از مردم آگاهی چندانی از اوقات فراغت ندارند و تفاوت بین اوقات فراغت و زمان بیکاری را به خوبی تشخیص نمی دهند. همچنین بیشتر آنها به علت کمبود امکانات به ناچار در برنامه های موجود شرکت می کنند یا اوقات فراغت خود را به نحوی که زیاد برای آنها راضی کننده نیست، می گذرانند. تعدادی از برنامه های سازماندهی شده با عناوینی چون برنامه های تابستانی برگزار می شوند و هیچگاه پرسیده نمی شود که در دیگر مواقع سال برای اوقات فراغت چه جایگاهی وجود دارد. به طور خلاصه می توان گفت در ایران جوانان و به خصوص قشر دانشجو با کمبود امکانات فراغتی روبه رو هستند، و دردناک تر اینکه در رابطه با چگونگی استفاده از امکانات فراغتی نابرابری وجود دارد. بدین معنی که در انتخاب چگونگی گذران اوقات فراغت، عواملی مانند سن، جنس، طبقه اجتماعی و سبک زندگی مؤثر است. چنانچه در رابطه با جنسیت باید گفت که زنان در مقایسه با مردان در انجام فعالیت های فراغتی محدودیت بیشتری وجود دارد. فضاهای فیزیکی و اجتماعی که زنان می توانند در آنجا به فعالیت های فراغتی بپردازند، محدود است. بر این اساس، گزینه های اوقات فراغت زنان از تنوع کمتری برخوردار است. به طور کلی، محدودیت امکانات فراغتی، نبود فرصت برابر برای استفاده از اوقات فراغت در دنیای واقعی، محدودیت های سیاسی و ساختار اجتماعی محدود در ایران بخصوص برای قشر جوان و دانشجو، اینترنت و فضای مجازی را به نهاد فراغتی بدل کرده است. در واقع می توان گفت ما با کمیابی فراغت در دنیای واقعی و مازاد فراغت در دنیای مجازی مواجه هستیم. بر این اساس، فعالیت فراغتی در ایران را می توان کارکردی خواند.

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

نظر به اینکه در روش حاضر سعی بر آن است که در نمونه‌گیری شرط حداکثر تفاوت‌ها رعایت شود، تلاش شد تا مصاحبه‌شوندگان از دانشکده‌های مختلف دانشگاه کردستان و در مقاطع مختلف تحصیلی انتخاب شوند.

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

کد	جنسیت	سن	تحصیلات	مدت عضویت	دانشکده
۱	مؤنث	۲۱	دانشجوی کارشناسی	۴	کشاورزی
۲	مؤنث	۲۱	دانشجوی کارشناسی	۳	فنی مهندسی
۳	مؤنث	۳۰	دانشجو ارشد	۵	علوم انسانی
۴	مؤنث	۲۳	دانشجوی کارشناسی	۶	کشاورزی
۵	مؤنث	۲۰	دانشجوی کارشناسی	۳	علوم انسانی
۶	مؤنث	۲۵	دانشجوی کارشناسی	۵	فنی-مهندسی
۷	مؤنث	۲۱	دانشجوی کارشناسی	۴	علوم پایه
۸	مؤنث	۲۶	دانشجو ارشد	۲	علوم انسانی
۹	مؤنث	۲۳	دانشجوی کاردانی	۴	علوم پایه
۱۰	مؤنث	۲۶	دانشجو ارشد	۴	علوم انسانی
۱۱	مذکر	۲۴	دانشجو کارشناسی	۳	فنی-مهندسی
۱۲	مذکر	۲۶	دانشجو ارشد	۱	فنی-مهندسی
۱۳	مذکر	۲۲	دانشجوی کاردانی	۳	کشاورزی
۱۴	مذکر	۲۶	دانشجو ارشد	۲	فنی-مهندسی
۱۵	مذکر	۲۹	دانشجو ارشد	۳	علوم انسانی
۱۶	مذکر	۲۴	دانشجوی کارشناسی	۲	علوم پایه
۱۷	مذکر	۲۳	دانشجوی کارشناسی	۴	علوم پایه
۱۸	مذکر	۲۶	دانشجو ارشد	۳	علوم انسانی
۱۹	مذکر	۲۳	دانشجوی کارشناسی	۲	علوم انسانی

چنان‌که مشاهده می‌شود، مصاحبه‌شوندگان از سن جوان (از ۲۰ تا ۳۰) هستند. همچنین در میان آنها افرادی با تحصیلات متفاوت -از دانشجوی کاردانی تا فوق‌لیسانس- دیده می‌شود. بعد از توصیف مصاحبه‌ها و کدبندی پاسخ‌های کاربران به سؤالات مصاحبه، مضامین عمده در رابطه با سؤالات اصلی پژوهش انتخاب و بر اساس چارچوب مفهومی مورد تفسیر و تبیین قرار می‌گیرد.

فراغت مجازی و نظام بازنمایی: فضای شفابخش

عملکرد بازنمایی از لحاظ صورت‌ها و تجربه فراغت به‌گونه‌ای است که به تخصیص منابع اقتصادی و توزیع منزلت مشروعیت می‌دهد و این کار از طریق اهمیتی کمابیش توتمی به آرمان فراغت آبرومندانه و شایسته صورت می‌گیرد. بر این اساس دولت‌ها سعی می‌کنند بازنمایی مدل‌های نقش فراغت و زندگی خوب را از طریق اجتماع ایجاد کنند و انتقال دهند. خانواده، مدرسه و رسانه ملی همچنان در این زمینه موثرند. بر این اساس در ایران رسانه‌های گروهی و سیاست حاکم به‌گونه بی‌امان زندگی خصوصی را استعمار می‌کنند و نقش شبکه‌های اجتماعی را به‌عنوان بستر فراغت مجازی و کانون اطلاعات و سرگرمی را به‌شدت تضعیف می‌کنند و از آن به‌عنوان تهدیدی برای خانواده و جامعه یاد می‌کنند. اما در اینجا تقابلی وجود دارد بین بازنمایی که دولت و رسانه‌های گروهی از فراغت مجازی به‌عمل می‌آورند و بازنمایی که خود کاربران از این نوع فراغت دارند. بر این اساس فراغت مجازی را می‌توان بدیلی برای فراغت‌هایی دانست که در دنیای واقعی به‌عنوان فراغت آبرومندانه نام می‌گیرد و به تخصیص منابع اقتصادی و توزیع منزلت، مشروعیت می‌بخشد. فراغت فقط مجموعه‌ای از روندهای رفتاری، انواع هویت، ساختارهای قدرت، صورت‌هایی از تجربه و شبکه‌ای از نهادها نیست، بلکه فراغت حاوی دلالت‌های ضمنی درباره آزادی، انتخاب و خودمختاری است. به‌طور کلی فراغت مجازی از نظر مصاحبه‌شوندگان را می‌توان با مضمون کلی «فضای شفابخش» مورد تفسیر قرار داد. فضای شفابخش را ما از مطالعات رابرت بلا در باب اشکال نوظهور فردگرایی وام گرفته‌ایم. یافته‌ها نشان می‌دهند که فردگرایی بیانی یا ابرازی از امکانات جدید فضای مجازی و فراغت مجازی است.

تجربیات و مضامین عمده در رابطه با چگونگی بازنمایی فراغت مجازی توسط دانشجویان عضو فیس‌بوک حاکی از آن است که آن‌را فضایی می‌پندارند که می‌تواند تسکین و تسلی دهنده روح آنها باشد. شاید نوعی درمان بر دردهای که دنیا واقعی برای آنها بوجود آورده است. درد نگفتن‌ها، شکست‌ها و همه بی‌توجهی‌هایی که مصاحبه‌شوندگان اذعان دارند که در دنیای واقعی وجود دارد. آنها می‌گویند فراغت مجازی آرامش دهنده و راه‌گریزی برای مشکلاتی است که در زندگی دارند، تسکین‌دهنده و مسکنی موقتی. در اینجا به‌خاطر اینکه ارتباط رودر رو نیست افراد بهتر می‌توانند احساسات خود را بیان کنند. و از طرفی همیشه و در همه حال این احساسات توسط دوستانشان جواب داده می‌شود، دوستانی که همیشه در دسترس هستند و با او همزادپنداری می‌کنند و موجب دلگرمی می‌شوند. بدین ترتیب افراد حس سبکی و درک شدن می‌کنند. شاید دردِ دل یکی از مصاحبه‌شوندگان جالب باشد که می‌گوید:

«به‌خاطر معلولیت در دنیای واقعی سرخورده و تنها مانده در بین انبوهی از آدم‌های احساس، هیچ توجهی به او نمی‌شده و همیشه به دید ترحم به او نگریسته می‌شده است. او در ادامه می‌گوید: "فیس‌بوک خانه من است... فیس‌بوک دنیای من است... دنیای واقعی را نمی‌خواهم... جسمم را نمی‌خواهم. اینجا زندگی می‌کنم، حرف می‌زنم، دوستای زیادی پیدا کردم.. و لذت می‌برم... اینجا لایکم می‌کنند، پس هستم...».

کاربران بر این باورند، مواقعی که خیلی احساسی می‌شوند و یا خسته از کارهای روزمره می‌شوند و یا در رسیدن به اهداف خود در دنیای واقعی ناکام می‌شوند. فراغت مجازی را راه فراری می‌دانند که از طریق آن تسکین داده می‌شوند. در اینجا فرد خود را کمتر مقید در مرزها و سنت‌ها می‌بیند. در اینجا آدم‌ها می‌نویسند و می‌خوانند. دردِ دل‌های دیگران را گوش می‌کنند و دردِ دل‌های خود را می‌نویسند؛ لذت‌هایشان، غم‌هایشان و اتفاق‌های مهمشان، تولدشان را تبریک می‌گویند، موفقیت‌هایشان مورد توجه و تحسین قرار می‌گیرد و همین توجه‌ها و گفتن‌ها باعث می‌شود تجربه روانی که فرد در این نوع از فراغت پیدا می‌کند لذت‌بخش و شیرین باشد. حس زندگی و مورد توجه بودن که رضایت درونی را برای کاربران به همراه دارد. فردیتی در جستجوی خویشتن، اعتماد به نفس و بیان احساسات.

«حس توجه... میدونی اینجا یه محیط خاصه.. من آرزوهایی رو که تو دوران بچگی داشتم مثل معروف شدن... لایک ها که اینجا به پستات میدن برام حکم اون معروف شدن رو بهم میدن» (زن، ۲۰ ساله، دانشجوی کارشناسی).

پست یکی دیگر از دانشجویان نیز گویای این مسئله است.

«دوست مجازی من... چند وقت است برایت می نویسم.. و تو می خوانی.. و گاهی تو می نویسی و من می خوانم.. دوست مجازی من.. این روزها درد دلهايمان را.. به زبان نمی آوریم.. تایپ می کنیم.. مانده ایم اگر این.. دنیای مجازی نبود.. روی دیوار احساس چه کسی می نوشتیم.. نامت زیباست اما افسوس مجازی هستی...» (زن، ۲۰ ساله، دانشجوی کارشناسی) (حاصل مشاهده مشارکتی).

فراغت مجازی و هویت: من مجازی

فراغت را می توان یکی از اساسی ترین عواملی دانست که افراد از طریق آن هویت خود را به نمایش می گذارند، هویت فراغتی که ممکن است در راستای بازتولید هویت فعلی باشد و یا هویت او را به چالش بکشد و باعث شود فرد هویتی جدید را از نو بسازد. لذا این شرایط بسته به نوع فراغت و نوع جامعه ای که فراغت در آن شکل می گیرد متفاوت است، اما دستاورد فضای مجازی به عنوان فضای شفابخش و امکانی برای فردگرایی بیانی و اما مجازی تنش با دنیای واقعی است.

حاصل مشاهده مشارکتی و مصاحبه های انجام شده نشان می دهد فراغت مجازی با توجه به امکاناتی که برای فراغت جویان خود فراهم آورده، توانسته است حداقل آزادی هایی برای کاربران خود فراهم کند تا آنها بتوانند هویت ها دلخواه خود را به نمایش بگذارند. چراکه دیگر محدودیت های سیاسی و سنتی که در تعاملات چهره به چهره وجود دارد، در اینجا وجود ندارد. در این شرایط، یک خویشتن واقعی و خودآیین در زیر نقشی که انسان در اجتماع بازی می کند، احساس می شود و فرد تلاش می کند که این خویشتن واقعی را پیدا کند و دست کم در خلوت و یا جایی که آزادی برایش فراهم باشد، با آن روراست باشد. بنابراین، هویت های فراغتی فقط از رهگذر تقلید شکل نمی گیرند، بلکه این هویت ها از انتقاد و جدایی از اعمال

مسلط یا رایج هم ناشی می‌شوند؛ چراکه آزادی عمل در فراغت مجازی عاملی شده تا کاربران موانع فیزیکی را به‌طور معقول و منطقی پشت‌سر بگذارند و شخصیت آرمانی خویش را که در دنیای آفلاین قادر به پایه‌ریزی آن نبوده‌اند، بیافرینند. چنین «شخصیت‌های دیجیتالی» واقعی هستند و می‌توانند به تسهیل خویش‌شناسی و اظهارات شخصیتی کاربر کمک کنند و شانس دستیابی به آن را در دنیای آفلاین افزایش دهند. هویت‌های خودآیین مجازی به‌طور آشکاری واقعی هستند از این جهت که پیامدی طبیعی در زندگی اشخاصی دارند که آنها را ایجاد کرده‌اند. به این ترتیب مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کنند که این «من واقعی» است که طی فراغت مجازی به نمایش می‌گذارند. اگرچه بعضی از آنها به خودسانسوری و به تعدیل کردن خود به‌نمایش درآمده اقرار می‌کنند.

به‌طورکلی، فراغت مجازی باعث تفکر درباره‌ی هویت در معنای متعدد آن می‌شود و از طریق فراغت مجازی در بستر فیس‌بوک، افراد قادرند با گردش در میان خودهای بسیار، سازنده‌ی یک خود باشند. نتیجه‌ی چنین روندی به‌وجودآمدن شکاف هویتی در کاربران است. شکاف بین هویتی که افراد در دنیای واقعی دارند و با آن شناخته می‌شوند و هویتی که در فضای مجازی و به‌واسطه‌ی آزادی عملی که دارند، برای خود ساخته‌اند و مورد علاقه‌ی آنهاست، «همان من مجازی خودآیین». در اینجا باید گفت که هرچه ساختار اجتماعی و سیاسی یک جامعه محدودتر باشد، شکاف هویتی نمود بیشتری پیدا خواهد کرد.

«تجربه‌ام در فیس بوک بهم ثابت کرده که اکثر افراد دارن یه چیزی جدا از واقعیت شخصیتشون رو نشون میدن و در واقع اون چیزی ک دوس دارن باشن رو نشون میدن»
(مرد، ۲۴ ساله، دانشجوی کارشناسی).

«اون چیزی که می‌خام باشه اینجا نزدیکتره تو واقعیت دست و بالم بسته است. چون اونجا آزادی بیان ندارم» (مرد، ۲۲ ساله، دانشجوی کاردانی).

فراغت مجازی و مقاومت: مقاومت نشانه‌شناختی

روجک معتقد است مقاومت از کارکردهایی مهم فراغت است. اما باید اضافه کرد که کل پروژه‌ی فراغت مجازی، نوعی مقاومت است، مقاومتی در برابر آن کسی که آن را ممنوع و به دیده‌ی

بدبینی به آن نگاه می‌کند، خواه دولت باشد خواه رسانه ملی. لذا هویت فراغتی تعریف شده توسط آن واکنشی بود به نظام کنترل فراغت؛ نظامی که به نظر بسیاری مصاحبه‌شوندگان غیرمنصفانه است. بنابراین تجربه زیسته دانشجویان در فیس‌بوک، فراغت مجازی را به عنوان بدیلی در برابر محدودیت‌های دنیای قرار می‌دهد.

«مثلاً اینجا یه پست سیاسی می‌گذارم... یا یه پست راجع به یه مسئله تابو... اگر کسی اعتراض هم بکنه مهم نیس... تو دنیای واقعی آگه بگم مسخره میشم... حتی ضرب و شتم فیزیکی هم رخ میده» (زن، ۲۶ ساله، کارشناسی ارشد).

نکته مهم در فرآیند شکل‌گیری هویت مقاومتی آن است که فرد فعالانه در ایجاد آن شرکت می‌کند و دست به انتخاب‌گری می‌زند. چراکه تجربه زیسته آنها نشان می‌دهد در طول فراغت مجازی آزادی بیشتری دارند و از قید خیلی از محدودیت‌های بیرونی آزادند. بنابراین چنانکه استوارت هال و جان فیسک^۱ می‌گویند، در اینجا نوعی مقاومت نشانه‌شناختی در کار است؛ یعنی افراد با انتخاب‌های خود دست به مقاومت نشانه‌شناختی در مقابل فرهنگ حاکم می‌زنند. با گسترش شبکه‌های اجتماعی، مفهوم قلمروی جغرافیایی و حاکمیت دولت‌ها بر مرزهای فیزیکی خود رنگ باخته و در شبکه جهانی، اجتماعات مجازی تشکیل شده و افراد بدون ملاقات با یکدیگر تشکیل جامعه مجازی می‌دهند؛ سمبل ملیت امروز اطلاعات مشترک است، نه خون و سرزمین مشترک. در رابطه با چگونگی مقاومت و رمزگذاری آن توسط کاربران، از مشاهدات و تجربیات به دست آمده چنین استنباط می‌شود که فراغت مجازی منجر به «مقاومت نامرئی» و تشکیل «حوزه عمومی» به شکلی نو شده است.

«اینجا من حرفامو راحت‌تر می‌زنم، باورها و عقیده‌هامو می‌زارم، انتقاد می‌کنم و نامردی‌ها و ناعدالتی‌هایی رو که روزانه می‌بینم رو به اشتراک می‌زارم» (مرد، ۲۳ ساله، دانشجوی کارشناسی).

فراهم شدن زیرساخت‌های مناسب به منظور دسترسی به اینترنت، دسترسی اقشار مختلف جامعه به آن و تلاش کاربران فضای مجازی برای به‌چالش کشیدن حکومت و وادار کردن دولت به پاسخگویی و سعی مخاطبان در درک یکدیگر و بالابردن روحیه وفاق و همدلی در این فضا و

شکل‌گیری فضای انتقادی و استدلالی نوید تبدیل شدن فضای مجازی و فراغت مجازی به حوزه عمومی است؛ چراکه از دیدگاه هابرماس، حوزه عمومی در فرآیند استدلال فعالانه عموم مردم درباره عقاید و دیدگاه‌های خویش پدید می‌آید. از طریق این گفت‌وگو است که افکار عمومی شکل می‌گیرد و به نوبه خود در شکل‌گیری سیاست‌های دولتی و رشد جامعه در مفهوم کلی‌اش مؤثر می‌افتد.

فراغت مجازی و کنترل: از هنجارهای شخصی و بین‌شخصی تا کنترل از بیرون

اگر اثر ساختاری سازوکارهای تنظیمی طبقه، جنسیت، نژاد و فرهنگ را کنار بگذاریم، با اندکی اندیشیدن می‌توان دریافت که رفتار عمومی فراغت به‌خصوص از لحاظ جسمی، تجمعی و تحریکی دستخوش محدودیت‌های بسیاری است. در زمینه فراغت مجازی علاوه بر این محدودیت‌ها، محدودیت‌های دیگری نیز وجود دارد که کاربران را در این نوع فراغت محدود می‌سازد. این محدودیت‌ها بسته به ساختار اجتماعی که فراغت مجازی در آن صورت می‌گیرد به شکل خاصی نمود پیدا می‌کند. در رابطه با چگونگی محدودسازی افراد در زمینه فراغت مجازی و نحوه کنترل افراد بر اعمال فراغتشان سه مضمون اصلی و متنوع با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان قابل تفسیر است، کنترل بین‌الذهانی، اصول شخصی و حس توطئه.

مواجهه با دیگری^۱ ما را وامی‌دارد تا تمایل طبیعی‌مان برای ذهن‌گرایی درون‌نگرانه را رها کنیم و بنابراین ما را به جهان خارج و نفس‌های دیگر پیوند می‌زند؛ من فقط می‌توانم در حضور دیگری ارزشی داشته باشم: «من-خودم» نمی‌تواند مؤلف ارزش‌های من باشد، بنابراین ارزش هماهنگ‌کننده نفس جسم‌مند فقط می‌تواند در و از طریق رابطه با دیگری انضمامی تأیید و تصدیق شود: «جسم چیزی خودبسنده نیست؛ محتاج دیگری است، نیازمند بازشناسی و فعالیت شکل‌بخش اوست». از آنجا که هر یک از ما موضعی منحصر به فرد را در زمان/مکان اشغال می‌کنیم رابطه خود-دیگری متقابلاً تا آنجا غنی‌کننده است که «خارجیت^۲» به‌طور موققت‌آمیزی تأمین شود. بنابراین هر کنش‌گری با توجه به روابط و تعاملاتی که با دیگران دارد. تحت تأثیر

1 The other

2 exotopy

این روابط قرار می‌گیرد و از این طریق کنش فرد تحت تأثیر دیگری قرار می‌گیرد. در رابطه با فراغت مجازی این دیگری نوعی نیز وجود دارد. با توجه به ارتباطات و تعاملاتی که فرد فراغت‌جو به‌طور همزمان با دوستانش در دنیای مجازی و واقعی دارد، باعث شده است که تحت تأثیر این روابط قرار گرفته و به‌طور آزاد نتواند عمل کند، چرا که اعمال و رفتارش توسط دوستانش نظارت و کنترل می‌شود.

«نحوه برخورد دیگران... مثلاً به چیزی می‌گم بعد می‌بینم تعداد لایک هاش کمه... از این به بعد از اون نوع نوشته‌ها کمتر می‌گذارم» (مرد، ۲۶ ساله، دانشجوی ارشد).

هر فردی در طول زندگی خود و طی فرایند جامعه‌پذیری، ارزش‌ها و اصولی را فرا می‌گیرد که به نوعی همین ارزش‌ها تا حد زیادی دامنه رفتاری فرد را مشخص می‌کند. ارزش‌هایی که به‌صورت نوعی «خودکنترلی» در کنشگر بروز می‌کند. در رابطه با فراغت مجازی در شبکه‌های اجتماعی این نوع خودکنترلی به‌صورت بارزتری نمود پیدا می‌کند، چراکه نهادهای اعمال فشار هنجاری برای کنترل کنش‌های فردی، به شکل رسمی وجود ندارد؛ بنابراین در اینجا عامل کنترل‌کننده همان ارزش‌ها و اصول هستند. چنانچه این اصول به شکل عادت‌واره درونی شده است، و به‌عنوان راهنمای فرد عمل می‌کند و از این طریق کنش فرد را جهت می‌دهد و محدود و کنترل می‌کند.

«شعور و شخصیتیم... شخصیتی که واسه خودم قائلم» (زن، ۲۳ سال، دانشجوی کاردانی).
«بیشتر از همه شخصیت خودم باعث میشه که هر پستی یا مطلبی رو نزارم. همیشه که نباید با چماق رو سرمون وایسن» (مرد، ۲۶ ساله، دانشجوی کارشناسی ارشد).

در همان حال کاربران فیس‌بوک معتقد به هجوم دولت و نهادهای اعمال فشار هنجاری به لایه خصوصی زندگی آنها هستند، به این شکل که تمام لایه‌های زندگی آنها را تسخیر کرده‌اند. آنها معتقدند که همان‌طور که در دنیای واقعی، کنترل و نظارت شدیدی بر کنش‌ها و رفتارهای آنها وجود دارد، فضای مجازی نیز به تسخیر و کنترل نظام هنجاری دنیای واقعی درآمده است. بدین معنا که تمام اعمال و رفتار آنها در فیس‌بوک کنترل می‌شود و لذا معتقدند که یکی از عوامل کنترل رفتار و اعمال آنها در فراغت مجازی بحث هجوم دولت به حیطه فراغت مجازی است. لذا می‌توان گفت آنها به ایده‌خدایی در باب دولت اعتقاد دارند؛ دولتی که همه جا وجود

دارد و همه چیز آنها را مورد بررسی و نظارت قرار می‌دهد. نوعی حس توطئه که فرد احساس می‌کند اعمالش کنترل می‌شود و لذا همین ترس از مجازات باعث می‌شود که خود را پیش از پیش کنترل سازد.

«درسته در فیس بوک آزادی بیشتره ولی، باز استرسهای وجود داره که نکنه زیر مطلبی لایک یا کامنت بزاری که فردا از اون علیت استفاده بشه» (مرد، ۲۴ ساله، دانشجوی لیسانس).

نتیجه‌گیری: فضای شفابخش، فردگرایی بیانی و تناقضات عاطفی

شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان میانجی‌ای برای مطالعه فراغت مجازی امکان تأمل در فضای واقعی را به ما می‌دهد. برای کاوش در فضای مجازی و رابطه پر تنش آن با دنیای واقعی، تجربه فراغت مجازی دانشجویان دانشگاه کردستان را در چهار محور کارکردی (بازنمایی، هویت، کنترل، و مقاومت) مورد تحلیل و تفسیر قرار دادیم. در این نتیجه‌گیری ابتدا به نتایج پژوهشی خود پرداخته و سپس دلالت‌های نظری را مورد کاوش قرار می‌دهیم.

تجربه زیسته مصاحبه‌شوندگان حاکی از آن است که به طور کلی فراغت مجازی به‌عنوان فضایی شفابخش تعریف می‌شود. تجربه خوشایندی که در تقابل با بازنمایی منفی است که سازوکارهای تنظیمی و نهادهای اعمال فشار هنجاری در جامعه ما، از فراغت مجازی دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد کنشگران در این فضا، تفاسیر تازه‌ای از جهان اجتماعی، نقش و تجربه فراغت مجازی بر اثر آن معانی به تعاملاتی نو پرداخته‌اند. آنها فراغت مجازی را به مثابه «رهاننده و فضای آزاد» می‌پندارند که می‌توانند به‌واسطه آن از محدودیت‌هایی که به طور کلی سازوکارهای تنظیمی و نظام هنجاری به‌وجود آورده است، رهایی یابند. بر این اساس، فراغت مجازی همچون الگوی تقابلی با سازوکارهای تنظیمی نزد کاربران تفسیر می‌شود، چراکه فضایی آزاد را فارغ از محدودیت‌های دنیای واقعی را فراهم آورده است. بنابراین، فراغت مجازی به طور کلی حکم «فضای شفابخش» دارد که جبران‌کننده بخشی از کمبودها و محدودیت‌هایی است که جوانان با آن مواجه هستند.

در بعد هویتی یافته‌های حاصله نشان می‌دهد فیس‌بوک به‌عنوان بستری برای فراغت مجازی این فرصت را برای آنها فراهم ساخته تا بتوانند هویتی متفاوت از خود ارائه دهند و از جبر هویتی

در دنیای واقعی خود رهایی یابند و یا حداقل حس رهایی از این جبر را تجربه کنند. در این فضا فرد می‌تواند چهره، اندام و موقعیت اجتماعی خویش را دوباره بسازد و دوستان خود را از نو انتخاب کند؛ و با این گزینش چهره‌ای از خود را که بنا به برخی معذوریات و محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و یا خانوادگی نمی‌تواند در عالم واقع از خود ارائه دهد، در این محیط به نمایش بگذارد. بنابراین هویتی که در پس فراغت مجازی ساخته می‌شود هویتی خودآیین است؛ هویتی که به صورت مقاومتی در برابر هویت دنیای واقعی صورت می‌گیرد. فراغت مجازی در شبکه‌های اجتماعی این شانس را به دانشجویان داده است تا آن جنبه‌هایی از هویت خود را که به دلیل محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی بیشتر پنهان بوده، را افشا کنند، هویتی که از نظر آنان واقعی است. پیامد این امر شکاف تفاوت در هویت مجازی و واقعی آنها است.

در بعد مقاومت یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، که گذران فراغت مجازی در شبکه اجتماعی فیس‌بوک، منجر به مقاومت پنهان از سوی دانشجویان و فراهم شدن حوزه عمومی شده است. به نظر اسکات اعتراضات ضمنی گروه‌های فرودست سه گونه‌اند: «گمنامی^۱»، «قصد خصمانه را به بیان نیک فهماندن^۲» و «حرف خود را جویدن^۳». گمنامی و یا حضور کنترل‌شده در فضایی که کاربر می‌تواند محدوده دسترسی سایرین را در آن تعریف کند، این امکان و جسارت را به دانشجویان می‌دهد تا بدون ترس از عواقب فردی و اجتماعی، باور، کردار و آرمان‌های مختلف را به نقد بکشد. به‌ویژه اگر این کردار و باور از آن نسل پیش از او باشد (اسکات، ۱۹۹۰: ۱۳۶). از مصاحبه کاربران چنین تفسیر می‌شود که فراغت مجازی در بستر فیس‌بوک را ابزاری می‌پندارند که با استفاده از آن بخشی از سازوکارهای تنظیمی و نهادهای اعمال فشار هنجاری را دور می‌زنند و به مقاومت با آن می‌پردازند، البته مقاومتی که به صورت پنهان و جزئی صورت می‌گیرد. بنابراین فراهم آمدن آزادی بیان و روابط گسترده منجر به فعال شدن دانشجویان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شده است؛ به این معنا که دانشجوی فراغت‌جو می‌تواند فرصتی را برای بیان دیدگاه‌ها و گفتمان‌های خود در مورد مسائل مختلف پیدا کند و نوعی فعالیت مدنی

1 Anonymity
2 euphemisms
3 grumbling

را برای آنها به وجود بیاورد. شکلی دیگری از این نوع مقاومت را می‌توان در ایجاد روابط عاطفی میان جوانان غیر همجنس طی فراغت مجازی مشاهده کرد؛ چراکه فراغت مجازی عاملی در تسریع و تسهیل گستره روابط عاطفی جوانان غیر همجنس شده است.

در رابطه با چگونگی کنترل افراد در فضای مجازی و به طور اخص فراغت مجازی یافته‌های پژوهش نشان داد که برخلاف تصور عمومی در مورد آزادی بدون مرز در شبکه‌های اجتماعی، کنشگران در طول فراغت مجازی به‌طور کامل آزاد نیستند؛ بلکه در اینجا نیز موانع و عوامل کنترل‌کننده‌ای وجود دارد که کنش افراد را کنترل و جهت می‌بخشد. سه عامل کنترل‌کننده عبارتند از: کنترل بین‌الذهانی «رابطه من و دیگری»، اصول شخصی «ارزش‌ها و اصول درونی شده» و حس توطئه «ترس از مجازات توسط نهاد اعمال فشار هنجاری در دنیای واقعی یا همان دیگری بزرگ». اینها عواملی هستند که کاربران آنها را در کنترل و انتظام‌بخشی به کنش‌هایشان در فراغت مجازی مؤثر می‌دانستند.

فضای مجازی به‌عنوان فضایی سیال در درون فضای واقعی همچون لکه‌ای ظهور کرده است که از طریق آن می‌توان درون فضای واقعی را دید. مفروضه نظری این مقاله در راستای فضای مفهومی کریس روژک این بود که نبایستی اسیر و سوسه‌های قائم به ذات بودن و مستقل بودن فضای مجازی شد. بلکه فضای مجازی را بایستی با توجه به زمینه‌های واقعی درک کرد. به لحاظ روش‌شناختی هدف بنیادی ما تأمل در فضای مجازی برای کمک به تأمل در فضای واقعی بود. بر این اساس کاوش در تجربه زیسته دانشجویان بر این امر دلالت دارد که فضای مجازی در شکل فراغت مجازی، در حاشیه‌های فضای واقعی، فضایی شفاف‌بخش را برای ترمیم شکاف‌های فضای واقعی شکل می‌دهد. در اینجا فضای شفاف‌بخش را به معنایی که بلا در کتاب عادات دل به‌کار می‌گیرد، برای اشاره به تفوق احساسات و خودبیانگری به‌کار گرفته‌ایم. در نحوه نگرش شفاف‌بخش احساسات خود شخص نقطه شروع بوده و بر روابط کاملاً قراردادی متکی است که امکان شکلگیری وفاق اخلاقی را منتفی می‌سازد. همین تأکید را فیلیپ ریف با عنوان شکست فرهنگ و اخلاقیات سنتی صورتبندی می‌کند (هال، ۱۳۹۰: ۳۷-۵۰). این فرهنگ

شفابخش بیانگر ظهور شکلی از فردگرایی با عنوان فردگرایی بیانی است، هدف فردگرایی بیانی یا ابرازی ابراز وجود است و بر این اساس در تقابل و در چالش با جامعه پیش می‌رود. شبکه‌های اجتماعی فضایی برای صورتبندی اشکالی از فردگرایی هستند که جامعه آنها را با چالش مواجه ساخته است و این امر برای جوانان که در پی طرح نفس و صیانت نفس هستند دوچندان می‌شود. فردگرایی بیانی در درون فضای مجازی و در اینجا به میانجی فراغت مجازی شکل می‌گیرد، اما همان گونه که در بخش داده‌های مربوط به هویت در درون فراغت مجازی دیدیم، دوگانگی‌های عاطفی را موجب می‌شود. از یک طرف میل عمیق به خودمختاری و از طرف دیگر پافشاری بر واقع‌گرایی عملی و اخلاقی، فرار از محدودیت‌ها و ترس از ناامنی‌های تجربه‌خویشتن در فضای مجازی، بعد هویتی و مقاومتی و کنترلی، فراغت مجازی را به فضایی سرشار از هرج و مرج و ترس و ناامنی بدل ساخته است. بدین ترتیب فراغت مجازی و فضای مجازی امکان بریدن از واقعیت و گذشته را به فردی که در جستجوی خودبیانگری است می‌دهد اما همزمان حفظ مرز حوزه عمومی و خصوصی را با چالشی بنیادی بدل می‌کند. پیامدهای چنین چالشی به لحاظ عاطفی با فرد همراه غرق در فضای مجازی همراه است. پیامدهای این دوگانگی را می‌توان در کلیت روایت دانشجویان از فراغت مجازی دید، روایتی سرشار از دوگانگی‌ها میان زبان خود ابرازی و زبان سنت و اخلاقیات، زبان حوزه خصوصی و زبان حوزه عمومی، زبان خودمختاری فردی و محدودیت‌های اجتماعی. این دوگانگی را می‌توانیم در کلیت روایت دانشجویان از همه ابعاد فراغت مجازی مشاهده کنیم. فراغت مجازی فرصتی است برای شکل‌گیری فردگرایی بیانی و از این طریق شکل‌گیری فرهنگی مبتنی بر احساسات شخصی با عنوان فرهنگ شفابخش در تقابل با فرهنگ هنجارها. اما این فرهنگ و فضای شفابخش در همان حال که امکان مقاومتی نشانه‌ای را به فرد می‌دهند، به واسطه درگیر ساختن فرد در درون مجموعه‌ای از دوگانگی‌های عاطفی، جستجوی اصول اخلاقی شخصی را در فضای متلاطم به فرد می‌دهند، فضایی که به بهای جسمانیت‌زدایی از فرد، منی مجازی را به وی می‌بخشد. این حوزه برای مطالعات گسترده و متنوع و به‌ویژه دلالت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آن در رابطه با دخترانگی، زنانگی، مردانگی و اینترنت و حوزه عمومی گشوده است.

منابع

- اختر محقق، مهدی (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی اینترنت، تهران: مؤلف.
- اکبری تبار، علی‌اکبر؛ هزارجریبی، جعفر (زمستان ۱۳۹۲) مطالعه‌ای در باب تأثیرات شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی و اوقات فراغت جوانان، کنگره ملی اداره کل ورزش و جوانان شیراز و پژوهشکده علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره اول.
- بی، ارل (۱۳۸۱) روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.
- بشیر، حسن؛ افراسیابی، محمدصادق (بهار ۱۳۹۱) شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگ‌ترین جامعه مجازی ایرانیان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره پنجم، شماره ۱.
- خسروی، صابر؛ ناصرزاده، سید محمدرضا؛ مانیان، امیر (تابستان ۱۳۹۳) پدیدارشناسی وبگردی در زندگی روزمره ایرانی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال یازدهم، شماره ۳۹.
- ذکابی، محمدسعید (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی جوانان ایران، تهران: آگه.
- ربانی، رسول؛ شیر، حامد (زمستان ۱۳۸۸) اوقات فراغت و هویت اجتماعی: «بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره دوم، شماره ۸.
- روجک، کریس (۱۳۸۸) نظریه فراغت، ترجمه عباس مخبر، تهران: شهر.
- شهبایی، محمود؛ بیات، قدسی (زمستان ۱۳۹۱) اهداف و انگیزه‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی (مطالعه‌ای درباره جوانان شهر تهران)، علوم اجتماعی، مطالعات فرهنگ ارتباطات، سال سیزدهم، شماره ۵۲.
- عدلی‌پور، سعید؛ قاسمی، وحید؛ سید احمد، میرمحمد تبار (بهار ۱۳۹۳) تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت فرهنگی جوانان شهر اصفهان، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هفتم، شماره ۱.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- مارچسیون، جولیان. ام (۱۳۹۱) مردم‌نگاری، ترجمه سیدقاسم حسنی، تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹) ضد روش؛ منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی، تهران: جامعه‌شناسان.

- محمدپور، احمد؛ رضائی، مهدی (۱۳۸۷) درک معنایی پیامدهای ورود نوسازی به منطقه اورامان کردستان ایران به شیوه پژوهش زمینه‌ای، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۱ و ۲.
- محمدی، بیوک (۱۳۹۰) درآمدی بر روش تحقیق کیفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هال، جان (۱۳۹۰) فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناختی، ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: نشر سروش.
- هریس، دیوی (۱۳۹۱) مفاهیم کلیدی در مطالعات فراغت، ترجمه محمد سعید زکایی و سنا چاوشیان. تهران: تیسرا.
- Chen, B., & Marcus, J. (2012). Students' self-presentation on Facebook: An examination of personality and self-construal factors. *Computers in Human Behavior*, 28, 2091–2099.
- Ellison, N. B, Steinfield, C., & Lampe, C (2007). "The benefits of Facebook "friends": Social capital_ college students' use of online social network sites". *Journal of Computer-mediated Communication*, 12. 1143 – 1168
- Hine, c (2000). *Virtual Ethnography*, London, Sage.
- Kozinets, R. V (2006). *Netnography*. In V. Jupp (Ed.), *The sage dictionary of social research methods* (pp. 135). London: Sage.
- Rojek, C. (2000). Leisure and the rich today: Veblen's thesis after a century, *Leisure Studies*, 19, 1- 15.